



صلح از دیدگاه عقل و نقل

مجتبی خندان^۱

چکیده

صلح و امنیت از دغدغه‌های همیشگی بشر بوده و انسان همت خویش را در مسیر دستیابی به این آرمان به کار گرفته است. هرچند در نیل به این مهم همواره توفیق چندانی نیافته و جنگ و ستیز در همیشه تاریخ بشر روزافزون بوده است. صلح در اسلام به خاطر مبانی مبتنی بر وحی از ویژگی‌هایی برخوردار است که نظیر آن در هیچ مکتب فلسفی یافت نمی‌شود. توجه به نظریه‌پردازی صلح از این جهت ضرورت دارد که عدم درک صحیح آن و بی‌توجهی به ابعاد صلح در اسلام موجب هجمه‌ها و شبهاتی از سوی غرب شده که دین خاتم را آیین خشونت و شمشیر معرفی نمایند. این مقاله به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهد که چه راهبردهای کلانی در آموزه‌های اسلام تبیین شده است که براساس آن بتوان به صلح و آرامش دست یافت. این نوشتار میکوشد جامعیت و جهان شمولی اسلام و توانمندی آن در ارائه بهترین نظریه مبتنی بر صلح را بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها: اسلام، عقلانیت، صلح، نفس، خشونت، راهبرد

^۱ استاد حوزه و دانشگاه



مقدمه

عقلانیت به منزله شاخص‌های پسنیدیده در میان انسانها یاد میشود که مایه‌ی کمال شخصیت انسانی است و در بعد اجتماعی پیشرفت و ترقی را در سایه صلح و آرامش به همراه می‌آورد. انسانهای عقلگرا هم در رفتارهای فردی خود واجد عقلانیت و رفتار سنجیده‌اند و هم اجتماعی را شکل میدهند که بر پایه‌ی سنجش عقلانی امور به پیش می‌رود و از افراط‌ها و تفریط‌ها می‌پرهیزد. نقطه‌ی مقابل عقلانیت، چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، عبارت است از زندگی و رفتار بر پایه‌ی احساسات و عواطف بدون سنجش منافع و مضار امور. تصمیماتی که مبتنی بر تعصبات یا کینه‌ها باشد و یا مبتنی بر آرمانها و آرزوها عقلانی شمرده نمی‌شود و به جای رشد جامعه مایه‌ی افول میشود. از مهمترین آثار عقلانیت در جامعه برقراری صلح و آرامش است، چرا که به حکم عقل، جنگ و خشونت مایه‌ی بی‌ثباتی و تنش اجتماعی میشود و هزینه‌های فراوان روانی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... را به جامعه تحمیل میکند و مانع تمرکز افراد جامعه در رسیدن به رشد و پیشرفت میشود. بنابراین، هر رفتاری که مبتنی بر عقلانیت باشد به سود انسانهاست و هر رفتاری که با عقلانیت ناسازگار باشد باید طرد شود.

ژئوشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مفهوم صلح

برای مفهوم صلح تعاریف متعددی در کتب و فرهنگنامه‌های سیاسی درج شده است. این تعاریف عمدتاً اشاره به حالتی طبیعی، عادی و بدون جنگ دارد: «صلح حالت آرامش داخلی در یک کشور و روابط عادی با کشورهای دیگر، فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید». بنابراین صلح حالتی نه جنگ و نه صلح را شامل نمیشود، نظیرحالتی که ایران و عراق پس از جنگ هشت ساله داشتند. در فرهنگ جامع علوم



سیاسی ذیل واژه صلح آمده است: صلح در عرف سیاسی به حالت عدم مخاصمه بین کشورها اطلاق میشود. بین کشورهایی که در حال جنگ هستند، صلح در حالی برقرار میگردد که بین آنها پیمان صلح به امضا برسد

در يك دسته‌بندی کلی میتوان گفت که صلح در سه معنا به کار میرود:

۱. معنای لغوی که به معنای دوستی، آشتی و سازش؛

۲. معنای حقوقی که پایان یافتن ناسازگاری و نزاع بین دو یا چند نفر است؛

۳. در معنای سیاسی آن که پایان اختلاف و جنگ بین دوکشور یا همزیستی مسالمت آمیز بین کشورها را نیز صلح می‌نامند. اسلام با تکیه بر بنیاد فکری توحیدی و اعتقاد به خداوند یکتا، مهمترین قدم در تنظیم روابط انسانها را برداشته است. در جهان‌بینی اسلامی، توحید، اساس نگرش انسان به جهان است. بر خلاف مادی‌گرایان که جریان اداره جهان را بدون غایت می‌دانند، از منظر اسلام، جهان هستی به حق بوده و بیهوده آفریده نشده است و تمامی اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده آن برای هدف و غرض مشخصی خلق شده‌اند و خلقت زمین و آسمان، طبیعت و اجزای آن، همه به‌خاطر انسان و خدمت به او بوده است. هدفمندی خلقت و وحدت در غایت حرکت کاروان انسانیت به سوی کمال مطلق، از اساسی‌ترین بنیانهای هماهنگی در قوانین و لاجرم رفتارهای فردی و اجتماعی انسانها می‌باشد.

صلح از دیدگاه نقل

۱. از دیدگاه اسلام

از دیدگاه قرآن، صلح، خود، ارزش و هدف است، و در پذیرش آن کافی است که پیامد خطرناک و فریبی به دنبال نداشته باشد. هدف از صلح، مصلحت‌گرایی نیست. خود صلح، مصلحت است؛ زیرا زندگی فطری انسان‌ها سازگارتر است؛ چه آن که در



شرایط صلح، رشد و تعالی انسان ها و تفاهم برای رسیدن به توافق ها بهتر فراهم شده و یگانگی آیین بشری و گرایش انسان ها به حق امکان پذیرتر است. قرآن، وصول به اهداف خود را از طریق صلح نزدیکتر، آسان تر و معقول تر می‌داند؛ از این رو، بدان تأکید می‌ورزد. در اینجا لازم است قبل از پرداختن به هر موضوعی، به اصل موضوع صلح پرداخته شود. و به این نکته اشاره شود که صلح مورد نظر اسلام، دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشد.

ویژگی‌های صلح در اسلام

اسلام، آخرین و کاملترین دین الهی است و به حکم غنای ذاتی و مطابقت با فطرت انسانی و قدرت افعان و تغذیه اندیشه‌ها و ویژگی عقلانی بودن این دین، صلح و آرامش، مطلوب و استقرار آن هدفی متعالی است، اما این صلح باید ویژگی‌هایی داشته باشد:

۱- شرافتمندانه بودن صلح

اسلام خواهان صلح شرافتمندانه، مسالمت‌آمیز، با احترام و رعایت حقوق متقابل است. در اسلام، اعتقاد به صلح به معنای پرهیز از جنگ به هر قیمت و تحت هر شرایطی نیست و هرگز نمی‌توان به بهانه صلح‌طلبی از جنگ با دشمن متجاوز رویگردان شد، یا ندای صلح‌خواهی او را که در واقع پوششی برای تثبیت یا ادامه تجاوز و ارائه یک چهره صلح‌طلبانه است، اجابت کرد. تجاوز را با صلح پاسخ گفتن، در واقع تسلیم در برابر ظلم و زیر پا گذاشتن شرافت انسانی و از همه مهم تر تشویق متجاوز و مشروعیت دادن به تجاوز است. صلح و سازشی که کرامت انسانی مسلمانان را به ننگ خواری و حقارت آلوده سازد و ظلم و تجاوز را بر کرسی



مشروعیت بنشانند، به هیچ وجه مورد تأیید اسلام نیست. از اینرو قرآن در خواست صلح را در شرایطی که جنگ تنها چاره است، به عنوان سازشی ذلت بار نکوهش و نهی می‌کند: *فَلَا تَهْتَبُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَتَزَكَّمَ أَعْمَلُكُمْ* (محمد، ۳۵) در کتاب کنز الدقایق در تفسیر عبارت «و تدعوا إلى السلم» آمده است: «و لا تدعوا إلى الصلح خوراً و تدلاً»، یعنی از روی خواری و ذلت، دشمنان را به صلح نخوانید. عزت اسلام و امت اسلامی از ملاکهای اساسی مشروعیت صلح است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. امام علی (ع) ترجیح صلح بر جنگ را در صورتی می‌پذیرد که سستی و خللی در عقیده به اسلام رخه نکند، از اینرو امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «مسالمت و صلح را از آن گاه که موجب سستی در اسلام نگردد، از جنگ سودمندتر یافتم.» البته به این نکته باید توجه داشت که در همه مواردی که بنا بر مصالحی، چاره‌ای جز پذیرفتن صلح نیست، یا صلح بیشتر هدف را برآورده می‌سازد، عزت اسلامی خدشه دار نمی‌گردد. آنچه مهم است، هدف از پذیرش صلح است. اگر هدف، حفظ اسلام، تداوم وحدت مسلمانان، هویدا ساختن چهره حقیقی متجاوز و مانند آن باشد، صلح برای اسلام و مسلمانان عزت‌آفرین است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲. ریشه‌دار بودن صلح

صلح در اسلام، صوری و ظاهری نیست و صلح‌طلبی تنها یک ادعا و تاکتیک موقت و گذرا و حربه‌ای تبلیغاتی برای ارائه چهره‌ای بشر دوستانه و خلع سلاح رقیب بشمار نمی‌رود، بلکه از ژرفای رأفت و شفقت دین اسلام به خلق و حرص و ولع بسیار به سعادت آنان سرچشمه می‌گیرد. صلح در اسلام به پشتوانه‌ای از صداقت، احترام عمیق به حقوق واقعی بشر و علاقه وافر به حفظ جان و مال و آبروی



انسانها و آزادی تفکر و انتخاب آگاهانه بشر متکی است. از این رو، ندای صلح را آن گاه ارزشمند و راه گشا می‌داند که از جان انسانهای با وجدان و آگاه و نوع دوست و خیرخواه برخیزد، نه از زبان انسانهای دوچهره خودخواه و بی تفاوت. گواه این مدعا این است که اسلام حق حیات انسانها را به عنوان حق اصیل و طبیعی، سخت محترم می‌شمرد و حفظ زندگی یک نفر را با حفظ حیات همه انسانها برابر و کشتن یک نفر را از روی ظلم و فساد با کشتن همگان یکسان می‌داند مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (مائده، ۳۲) زیرا همه انسانها در حقیقت انسان بودن، مشترکند و هر کس چنین حقیقتی را برای یک نفر قائل نباشد، برای هیچ کس قائل نخواهد بود. اسلام برای حفظ گوهر شریف حیات و نشان دادن اهمیت زیادی که برای آن قائل است، حق قصاص را برای صاحبان خون به ناحق ریخته در نظر گرفته است. بر این مدعا آیات و روایات زیادی دلالت دارد از جمله آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، ۱۷۹)

و کلام امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر [۱] می‌فرماید: «و بپرهیز از خون‌ها و ریختن خونها به ناروا که چیزی چون ریختن خون به ناحق - آدمی - را به کیفر نرساند و گناه بزرگ نگرداند و نعمت را نبرد و رشته عمر را نبرد، و خداوند سبحان روز رستاخیز نخستین داوری که میان بندگان کند، در خونهایی باشد که از یکدیگر ریخته‌اند. پس حکومت خود را با ریختن خونی به حرام نیرومند مکن که خون به حرام ریختن قدرت را به ناتوانی و سستی کشاند، بلکه دولت را از صاحب آن به دیگری بگرداند.»

۱. رجوع شود به نامه ۵۳ کتاب شریفه نهج البلاغه



۳- فراگیر و همه جانبه بودن صلح

صلح در اسلام صلحی همه جانبه است، همه شئون زندگی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اسلام در ابتدا، صلح و آرامش را در نهان انسان با ایجاد سازش میان قوای درونی و ارضای خواسته‌های طبیعی تحت حاکمیت عقل و به دور از هرگونه افراط و تفریط می‌آفریند. سپس پای در محیط خانواده می‌گذارد و اساس این کانون را بر پایه صلح و آرامش بنیان می‌نهد و اعضای آن را به برقراری روابطی صمیمانه توصیه می‌کند، بر این مدعا آیاتی دلالت دارد از جمله آیات و به هنگام اختلاف و کدورت، باز راه سازش و مسالمت را پیشنهاد می‌کند.

«وَإِنَّ امْرَأَةً حَاقَّتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسَ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء، ۱۲۸) در محیط اجتماعی نیز مؤمنان را برادر یکدیگر می‌خواند. «إِنَّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، ۱۰) و از آنان می‌خواهد، تا در میان خود بزر محبت بیفشانند. «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۳۸) و یکدیگر را به دوستی دعوت کنند و اگر میان دو گروه درگیری و حتی نبرد مسلحانه رخ داد، آنان را صلح و سازش دهند. «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاتٍ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات، ۹) همچنین، امت اسلامی را با توصیه به اطاعت رهبر عادل و رعایت قوانین و احکام اسلام، به یاری حکومت عدل فرا می‌خواند. در واپسین مرحله، فراتر از دنیای اسلام، پیروان ادیان الهی را به بازگشت به کلمه مشترک میان آنها و مسلمانان که همانا توحید و پرهیز از شرک و بت پرستی است، فرا می‌خواند. «قُلْ يَا هَلْ أَكْتَبِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ



سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (۶۴، آل عمران) اسلام با این دعوت همگانی که فطرت همه انسانها البته در صورتی که غبار جهل و خرافه آن را نپوشیده باشد، بدان پاسخ مثبت می‌دهد، زمینه تحقق صلح حقیقی را فراهم می‌کند و بر این باور است که پذیرش آگاهانه و داوطلبانه اسلام و استقرار حکومت جهانی اسلام به عنوان وعده تخلف ناپذیر الهی، راه استقرار صلح حقیقی و همیشگی است؛ مقصدی که کاروان عظیم بشری به سمت آن در حرکت است و روزی به آن خواهد رسید.

اصل رابطه بر تسالم و صلح است

این نظریه در میان متأخران از اهل سنت طرفداران زیادی دارد، البته در میان شیعیان نیز دیدگاه‌های موافقی وجود دارد. از کسانی که این دیدگاه را پذیرفته‌اند، شیخ محمد عبده و شیخ محمود شلتوت هستند. شلتوت می‌نویسد:

هدایت اسلامی ما را به سوی صلح و دوستی فرا می‌خواند تا جایی که مخالفت نسبت به دین حق را از اسباب دشمنی و تجاوز می‌داند. (۲) دکتر وهبه زحیلی نیز همین نظریه را تقویت می‌کند: اصل در روابط دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها بر مسالمت است تا جایی که بر شهرها یا بر مبلغان دینی و نوامیس اسلام و مسلمین دشمنی صورت گیرد، در اینجا جنگ ضرورتی برای دفاع از جان، مال و عقیده است. (۳) رشید رضا نیز در یکی از آثار خود به این نظریه اعتقاد دارد: صلح و دوستی بین‌المللی اصلی است که باید مردم به آن پای‌بند باشند و به همین جهت خداوند به ما فرمان داده است که آن را بر جنگ برگزینیم. (۴) دلیل این دیدگاه نیز تمسک به آیات و روایاتی است؛ از جمله: «وَ إِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ



إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (۵) و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست. این آیه با توجه به آیات قبل و بعد که درباره یهود بنی قریظه است که پیمان شکنی کرده‌اند و یا کسانی که ترس از پیمان شکنی آنان می‌رود نازل گردیده است. در این آیه صلح را در صورت تسلیم دشمن به قبول آن، مجاز بلکه واجب اعلام می‌نماید. آیه دیگری که در کنار آیات جهاد با کفار آمده است، ولی با مضمون خود می‌تواند مفسر بعضی از اطلاعات آیات جهاد باشد در سوره ممتحنه است:

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ * إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (۶)؛ خدا شما را از کسانی که در کار دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که به آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در کار دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر همپشتی کردند و هرکس آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمگراند. این آیه مبارکه نه تنها صلح عادلانه را که نیکی کردن به کسانی که سابقه اذیت و تعرض نداشته‌اند را نیز مطلوب می‌داند و به صراحت نهی از دوستی آنان و نیکی کردن به آنان را مخصوص سه گروه می‌داند:

۱. کسانی که به خاطر دین با مسلمین جنگیدند.

۲. کسانی که مسلمانان را از شهرشان (مکه) بیرون کردند.

۲. شیخ محمود شلتوت، من التوجیها الاسلام، (بیروت، دارالشروق، ۱۳۹۹ق) چاپ ششم، ص ۹۳

۳. دکتر وهبه زحیلی، العلاقات الدولیه فی الاسلام، (بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۳ق) ص ۱۲۰

۴. محمد رشید رضا، الوحی المحمدی، (قاهره، الزهراء الاعلام العربی، ۱۴۰۸) ص ۳۱۲

انفال: ۸: ۶۱



۳. کسانی که برای تحقق اخراج مسلمانان اعلام حمایت و پشتیبانی نمودند. این سه گروه با عملکرد خود زمینه دوستی مسلمانان را از دست داده‌اند و پرواضح است که نفی صلح با اینان استثنایی بر اصل کلی رابطه با غیر مسلمانان محسوب می‌گردد. در آیه دیگر خطاب به مسلمانان آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. البته با توجه به خطاب صدر آیه تسری این دستور به غیر مسلمانان صحیح نیست، گرچه عدم دخول در سلم^۱ در آیه با تبعیت گام‌های شیطان قرین آمده است. و این نکته به نوعی به ماهیت نفی صلح و دوستی اشاره دارد. در سوره نساء و در پی طرح دعاوی خانوادگی و توصیه به صلح به طور کلی این گونه تعلیل می‌آورد: و الصلح خیر و از این آیه مطلوبیت صلح در قرآن کریم معلوم می‌گردد.

۳. صلح از دیدگاه پیامبر (ص) و امامان معصوم

از مطالعه روایات و احادیث چنین بر می‌آید که صلح و ایجاد رابطه محبت، مودت و دوستی با غیرمسلمانان در روابط خود با دیگران میتوانند از آن بهره گیرند؛ چه این که، آیین فطرت است و هرگز با احساسات طبیعی و انسانی بشرضدیت ندارد. اسلام به این نکته توجه می‌کند که با ایجاد جو آرام و مودت‌آمیز می‌توان بامخالفان عقیدتی خود به گفت و گو و جدال احسن پرداخت. از مسائل مهم که در هنگام صلح با غیر مسلمانان باید در نظر گرفت، اقتدار نظامی و قدرت بازدارندگی است که باید چنان باشد که دشمنان اسلام حتی یک لحظه هم خیال تجاوز و

۶. ممتحنه (۶۰): ۸ و ۹

۷. بقره (۲): ۲۰۸.



تعدّی به مسلمانان را به خود راه ندهند. و این امر نیز منافاتی با اصالت صلح و همزیستی ندارد؛ چرا که آمادگی رزمی و نظامی به نیّت‌های پیشگیرانه و عزّت‌مدارانه صورت می‌پذیرد و هدف از آن توسعه‌طلبی یا کشورگشایی به هیچ وجه نمی‌باشد. صلح و همزیستی موضوعی کاملاً مستدل بر اساس آیات و روایات و سیره معصومان (ع) می‌باشد و حال با پشتوانه استناد به این مدارک و مستندات متقن که در مقاله به آنها اشاره می‌شود با اطمینان خاطر و به دور از هرگونه شائبه اعلام می‌داریم، اسلام دینی کاملاً مبتنی بر صلح و سلم و همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها با یکدیگر می‌باشد و اصلاً بیان نظریه‌ای در باب جنگ‌طلبی اسلام نظریه‌ای کاملاً بی‌مورد و ناشایسته می‌باشد، در اینجا این سوال مهم و اساسی مطرح می‌شود که آیا اسلام بیشتر به فکر آرامش و آسایش انسانهاست یا داعیه‌داران مکاتب جدید؟ آیا آنها که دارند دنیا را با قانون خود می‌گردانند، توانسته‌اند حتی ذره‌ای به آرامش خاطر و آسایش انسان‌ها نسبت به گذشته بیفزایند؟! حال همانها داعیه دارند که اسلام دین خشونت است و صلح دنیا را با این افکارش بر هم خواهد زد. سوال ما این است که، آنها از کدام صلح دم می‌زنند؟ و از همه بدتر اینکه، علاوه بر دشمنان دانا که می‌دانند چرا و برای چه این ادعاها را مطرح می‌کنند، صدای طوطی وار دوستان نادان نیز هر از چند گاهی در تأیید گفته‌های نامربوط آنان به گوش می‌رسد. حال نگارنده با اطمینان خاطر با استناد به مدارک متقن اسلامی، با صدای رسا از همین ابتدا صلح‌طلبی اسلام و دستورات هدایت‌بخش و هستی‌بخش اسلام را بیان می‌دارد و با همین آهنگ نیز در کل مقاله در اثبات صلح‌طلبی اسلام پیش می‌رود.

روایات تاکیدکننده بر صلح

از مطالعه روایات و احادیث چنین بر می‌آید که صلح و ایجاد رابطه محبت،



مودت و دوستی با غیرمسلمانان در روابط خود با دیگران می‌توانند از آن بهره گیرند؛ چه این که، آیین فطرت است و هرگز با احساسات طبیعی و انسانی بشر ضدیت ندارد. اسلام به این نکته توجه می‌کند که با ایجاد جو آرام و مودت‌آمیز می‌توان با مخالفان عقیدتی خود به گفت و گو و جدال احسن پرداخت. پیشوایان اسلام، پیوسته به رعایت عدالت، انصاف، ادای حقوق و پرهیز از آزار و اذیت پیروان مذاهب دیگر توصیه می‌کردند که در اینجا به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

روایت اول از پیامبر (ص): «مَنْ آذَى ذَمِيًّا فَأَنَا خَصْمُهُ وَ مَنْ خَصَّمَهُ خَصَّمْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» هر کس اهل ذمه‌ای را آزار رساند، من دشمن او خواهم بود و هر کس من دشمن او باشم، روز قیامت دشمنی خود را با او آشکار خواهم کرد. روایت دوم از پیامبر (ص): «مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا وَ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ فَأَنَا خَصْمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». هر کس به یکی از معاهدان اسلام، ستم روا دارد و بالاتر از طاقت او تکلیفی بر او تحمیل کند، روز قیامت خودم دشمن او خواهم بود

صلح از دیدگاه عقل

صلح پایدار در کنار عدالت، رفاه، و توسعه، در شمار آرمان‌های بنیادین بشر قرار دارد. هر چند ارزش والای صلح نتوانسته در طول تاریخ، بشر را وادار به برقراری روابط مسالمت‌آمیز نماید. لذا در طول ۳۵۰۰ سال تاریخ مدون، تنها اندکی بیش از ۲۰۰ سال، جامعه بشری، طعم صلح و آرامش را چشیده است. به هر حال، متفکرین علوم اجتماعی در پی واری ریشه‌ها و زمینه‌های جنگ و صلح بوده و هستند. یکی از این تلاش‌ها، بررسی رابطه صلح با نوع حکومت و نظام سیاسی دولت‌هاست که منجر به فرضیه «صلح دموکراتیک» [peace democratic] یا «صلح‌گرایی دموکراتیک» [pacifism democratic] شده است.



تاریخچه نظریه

نظریه صلح دموکراتیک، تقریباً در علوم سیاسی، جدید است. چه این که هیچ اندیشمندی در دوران باستان، تمایل به تأیید آن نداشته است. کسانی هم که در سده های اخیر، رابطه صلح و نظام سیاسی را بررسی نموده اند به سبب این که دموکراسی تا آغاز دوره نوگرایی، ارزش منفی داشته است از حکومت جمهوری، [republic] سخن به میان آورده اند. به طور نمونه، نیکولو ماکیاولی، [Machiavelli Niccolo] فیلسوف مشهور ایتالیایی (۱۴۶۹-۱۵۲۷) معتقد بود که سرشت حکومت های جمهوری، مقتضی جنگ طلبی و تشکیل امپراطوری است؛ چنان چه امپراطوری رم، نمونه مسلمی از این اقتضای طبیعی است. به هر حال، این امانوئل کانت فیلسوف نامدار آلمانی (۱۷۲۴-۱۸۰۴) بود که برای نخستین بار در مقاله «صلح ابدی» فرضیه صلح دموکراتیک را مطرح و تأیید نمود. هر چند او نیز به دلیل بار ارزشی منفی دموکراسی در زمانش، نظریه امروزین صلح دموکراتیک را زیر عنوان صلح میان دولت های جمهوری عرضه نمود. در زمان کانت، تعداد دولت های جمهوری، بسیار اندک و محدود به ایالات متحده، فرانسه، برخی دولت-شهرهای ایتالیا و کانتون های سوئیس می شد که البته بر اساس معیارهای امروزین دموکراسی، هیچ کدام دموکراتیک نبودند. [۱] در آغاز قرن بیستم، جوزف شومپیتر اقتصاددان اتریشی (۱۸۸۳-۱۹۵۰) ادعا کرد که نظام اقتصادی سرمایه داری، دولت های نوین لیبرال دموکراسی را ذاتاً صلح جو و مخالف سلطه نموده است. [۲] پس از جنگ جهانی نخست، لفاظی گسترده ای در دفاع از این ادعا که دولت های دموکراتیک در سرشت، صلح جو هستند، رایج شد؛ بدون این که موضوع در علوم اجتماعی به طور نظام مند بررسی شود. با توسعه نظام دموکراسی لیبرال در نیمه دوم قرن بیستم، توجه بیشتری به رابطه صلح و دموکراسی، معطوف گردید.

1 http://en.wikipedia.org/wiki/Democratic_peace_theory. 27/09/2005, p. 2/1

2. Michael W. Doyle, 'Liberalism and World Politics', American Political Science Re-



در این مقطع، گروه‌های بی‌شماری از اساتید علوم سیاسی با به کارگیری روش‌های گوناگون پژوهش‌های آماری، نظریه صلح‌گرایی دموکراتیک را تقویت نمودند. برای نخستین بار، دین بابسدر در دهه ۱۹۶۰ میلادی از طریق روش آماری، رابطه مثبت میان صلح و دموکراسی را نشان داد. [۳] بابست، اطلاعات آماری در باره ۱۱۶ جنگ مهم را که میان سال‌های ۱۷۸۹ و ۱۹۴۱ رخ داده بود بررسی کرد و به این نتیجه رسید که در این دوره، هیچ جنگی میان کشورهایی که دارای دولت منتخب هستند در نگرفته است. [۴] نتیجه تحقیقات بابست با تحقیقات بعدی که سایر محققین در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ انجام دادند تأیید شد. [۵] به هر حال، این، آر. جی. رامل استاد علوم سیاسی دانشگاه هاوایی است که در زمان حاضر، نظریه‌پرداز نامدار صلح دموکراتیک گردیده است.

کانت و صلح ابدی

همچنان که در بالا اشاره شد، کانت، مبتکر نظریه صلح دموکراتیک است. استدلال پیشین وی در تأیید نظریه صلح دموکراتیک، به طور خلاصه اظهار می‌دارد که: اگر رضایت شهروندان در تصمیم‌گیری برای اعلام جنگ، لازم باشد تردیدی نیست که به طور طبیعی، مردم بسیار با احتیاط در این بازی مخاطره‌آمیز وارد خواهند شد. چرا که این، خود مردم‌اند که باید در جنگ، شرکت نمایند. این، مردم‌اند که درد و مشقت آن را به دوش خواهند کشید، و این، خود مردم هستند که پس از پایان

view, Vol. 80, No. 4, p. 1153

3. http://en.wikipedia.org/wiki/Democratic_peace_theory.27/09/2005, p2.

4. Nils Petter Gleditsch, 'Democracy and Peace', Journal of Peace Research, Vol. 29, No. 4 (Nov., 1992), p. 369

5. George Sorensen, 'Kant and Processes of Democratization: consequences for Neorealist Thought', Journal of Peace Research, Vol. 29, No. 4 (Nov., 1992), p. 398

2Sorensen, 'Kant and Processes of Democratization', pp. 394-5. Ibid, p. 399.7.



جنگ، باید هزینه‌های بازسازی را متحمل شوند. [۶] بنابراین، از دیدگاه کانت، از آنجا که دموکراسی، منجر به روابط صلح‌آمیز خواهد شد، توسعه دموکراسی که به ناچار در نتیجه رشد فهم انسان، محقق خواهد شد صلح را توسعه خواهد داد. لذا به نظر کانت، پایان تاریخ، شاهد صلح ابدی میان دولت‌های دموکراتیک خواهد بود. [۷] برای تأیید نظریهٔ صلح دموکراتیک، کانت سه استدلال ارائه می‌دهد: استدلال مبتنی بر «ارزش‌های اخلاقی دموکراتیک»، استدلال مبتنی بر «سازوکار نهادهای دموکراتیک» و استدلال مبتنی بر «روابط اقتصادی حاکم در کشورهای دموکراتیک». استدلال مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی دموکراتیک به ارزش‌های عمومی دموکراتیک اشاره دارد؛ هم چون حقوق مشروع، احترام متقابل، و تفاهم میان دولت‌های دموکراتیک. از آن جا که در درون دولت‌های دموکراتیک، شهروندان، دارای حقوق مشروع شهروندی قلمداد می‌شوند که به موجب آنها هر یک دارای احترام برابر با سایرین در بهره‌برداری از این حقوق است، تجلی این فرهنگ در سطح دولت‌ها منجر به احترام متقابل میان دولت‌های دموکراتیک و در نتیجه، منجر به تمایل به حل و فصل اختلافات از راه‌های مسالمت‌آمیز خواهد شد. یکی از عوامل بروز جنگ، احساس یک دولت مبنی بر برتری بر سایرین و در نتیجه، مشروعیت تحمیل نظر و خواست خود به هر روش ممکن است که با رواج فرهنگ احترام متقابل میان دولت‌های دموکراتیک، این زمینه برطرف خواهد شد. [۸] به تفسیر دوویل، این انتقال فرهنگ دموکراتیک، مبنی بر برخورداری شهروندان از استقلال رأی [Autonomy] و آزادی، به دولت دموکراتیک است که منجر به شناسایی استقلال دولت و آزادی آن در تصمیم‌گیری می‌شود. به دیگر

1Ibid, p. 399/8.

9.Michael W. Doyle, 'Kant, Liberal Legacies and Foreign Affairs', *Philosophy and Public Affairs*, Vol. 12, No. 3 (Summer 1983), p. 213.

10.Stephen Van Evera, 'Primed for Peace, Europe After the Cold War', *International Security*, Vol. 15, No. 3 (Winter 1990/1), p. 26n.



عبارت، فرهنگ دموکراتیک در سطح شهروندان یک دولت، آزادی یکایک شهروندان در اداره امور خصوصی‌شان را به رسمیت می‌شناسد. همین فرهنگ در سطح دولت‌ها، آزادی هر دولت در اداره امور داخلی‌اش را ارج می‌نهد. [۹] به نظر وان اِورا، بر پایه این فرهنگ، مداخله در امور داخلی سایر کشورهای دموکراتیک به عنوان تحمیل ایدئولوژی درست، منتفی خواهد شد؛ چرا که در این مجموعه، همه دارای ایدئولوژی مشابهی هستند. [۱۰]

استدلال مبتنی بر روابط اقتصادی حاکم در کشورهای دموکراتیک، مربوط به سود حاصل از تجارت بین‌المللی در نظام اقتصاد بازار می‌شود. کانت، این طور استدلال می‌کند که در «اتحادیه صلح‌گرا» [union pacific]، دولت‌ها به دنبال منافع متقابل ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی هستند. لذا «روح تجارت» [spirit the commerce of] سود متقابل است آنها را از جنگ برای تحصیل سود به زیان دیگران باز می‌دارد. کانت، معتقد است که توسعه اقتصادی بیشتر - که منجر به وابستگی اقتصادی متقابل دولت‌ها شده و مفاهیمی هم چون خودکفایی را از رونق می‌اندازد - باعث تحکیم فرهنگ تجارت و سود متقابل می‌شود.

ژئوپلیسیک
رتال جامع علوم انسانی
مطالعات فرهنگی

رامل و صلح دموکراتیک

نظریه رامل، این است که نه تنها دولت‌های آزادی‌گرا [states libertarian] گرایش به حل و فصل اختلافات میان خود از راه‌های مسالمت‌آمیز دارند، بلکه این دولت‌ها اصولاً در روابط خارجی‌شان، کمتر خشونت‌گرا هستند. تعریف رامل از دولت آزادی‌گرا شامل مؤلفه‌های زیر می‌شود: وجود آزادی‌های مدنی و فردی؛ انتخاب رهبران سیاسی از طریق انتخابات باز و رقابتی؛ وجود نخبگان با منافع ناسازگار و متکثر که یکدیگر را

1 Rummel, 'Libertarianism and International Violence', pp. 27-8.11.

Ibid, p. 33.12



متقابلاً کنترل می‌کنند؛ عدم تمرکز قدرت سیاسی؛ و نیاز نخبگان سیاسی به حمایت عموم مردم در پرداخت مالیات و شرکت در جنگ و خونریزی. [۱۱] تعریف وی از خشونت نیز شامل: اخطار و تهدید به انجام اعمال دشمنانه، ابزار سردی در روابط، اعمال تحریم‌های اقتصادی، نمایش آمادگی برای جنگ، و نهایتاً اقدام به جنگ می‌شود. [۱۲]

رامل می‌افزاید هر چه مردم یک کشور آزادی‌گراتر باشند نخبگان سیاسی آن کشور در روابط خارجی‌شان، کمتر خشونت‌گرا خواهند بود. به نظر رامل، علاوه بر ساختار سیاسی مزبور، سازوکار اقتصاد بازار آزاد که در این کشورها حاکم است مانع خشونت و درگیری می‌شود. چه این که نظام اقتصاد بازار آزاد، هنگام بروز اختلاف میان گروه‌ها و افراد، «بده بستان» [take and give] را به جای راه‌های خشونت‌آمیز و توسل به تحمیل نظر و خواست خود به دیگران تشویق می‌کند. به زعم رامل، هنگامی که روابط دو دولت آزادی‌گرا در نظر گرفته شود، این گرایش صلح‌گرایانه آنها به صورت دو طرفی، مانع بروز خشونت و جنگ میان آنها در صورت بروز اختلاف میان نخبگان آنها خواهد شد. لذا بروز خشونت میان دو دولت آزادی‌گرا، تنها در شرایط بسیار نادر و استثنایی تصورپذیر است. به طور مشخص، رامل دو فرضیه را مطرح می‌کند: فرضیه آزادی مشترک که مدعی می‌شود نظام‌های آزادی‌گرا متقابلاً مانع خشونت می‌شوند. و فرضیه آزادی که مقرر می‌دارد آزادی، مانع خشونت می‌شود. [۱۳] بر خلاف کانت، رامل در تأیید و تقویت نظریه خود که شامل دو فرضیه می‌شود به جای استدلال عقلی پیشینی به مطالعات آماری متعددی که روابط دولت‌ها را بررسی کرده‌اند استناد می‌کند. رامل در تحقیق سال ۱۹۸۳ خود، برای اثبات فرضیه

Ibid, p. 29/13

14. Bruce Bueno De Mesquita et al., 'An Institutional Explanation of the Democratic Peace', American Political Science Review, Vol. 93, No. 4 (Dec., 1999), p. 791.



اول مبنی بر گرایش دولت‌های دموکراتیک به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات میان خود، آمار درگیری‌های میان سال‌های ۱۸۱۶ و ۱۹۸۰ را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در حالی که برای اثبات فرضیه محکم صلح دموکراتیک، مبنی بر صلح‌گرا بودن دولت‌های دموکراتیک، تنها آمار درگیری‌های میان سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۰ را بررسی نموده است. [۱۴] این طور نیست که داده‌های آماری مربوط به روابط خارجی دول دموکراتیک و آمار مربوط به جنگ و صلح، تنها بر پایه نظام سیاسی خاص، قابل توجیه باشد. چه این که رفتار صلح‌آمیز دولت‌های دموکراتیک با یکدیگر ممکن است به سبب نبود مرز مشترک قابل توجه، میان دولت‌های اندک دموکراتیک تا پیش از جنگ جهانی دوم باشد

نظریه‌های اندیشمندان در ارتباط با صلح

نظریه سن سیمون

سن سیمون معتقد است که رابطه‌ای بین پدیده جنگ و صنعتی شدن جامعه وجود دارد و جامعه صنعتی در دیدگاه جامعه‌شناسان، جامعه مدرنیته است و نقطه مقابل جامعه سنتی است که در آن فکر مخول شده و سنت‌ها کارکرد خود را از دست داده‌اند. با صنعتی شدن جامعه پدیده جنگ نیز رفته رفته کمرنگ شده و از بین می‌رود. دلیل سن سیمون برای نظرش در جوامع ابتدایی یا سنتی، جنگ کارکرد اقتصادی داشته، یعنی بردگانی را بدست آورده و از این برده‌ها در جهت تولید استفاده می‌کرده است. حال وقتی جامعه صنعتی می‌شود، دیگر نیازی به برده نیست و از تکنولوژی استفاده می‌کنند، زیرا فکر هم کار می‌کند. پس پدیده جنگ یا صلح وابسته به پدیده صنعت است و این دیدگاه خوشبینانه است.



نظریه اسپنسر

اسپنسر از طرفداران نظریه دارونیسم اجتماعی بود. دیدگاه اسپنسر دیدگاه ارگانیکستی می‌باشد (تشابهی بین انسان و جامعه است). همانطور که انسانها مراحل دارند و متولد شده و... بعد می‌میرند، جامعه نیز چنین است. از نظر اسپنسر تکامل در جامعه است و موتور به حرکت در آورنده تکامل می‌باشد. درست است که وی خوشبین است، ولی این خوشبینی فقط برای برترین‌هاست. این انتخاب کاملا طبیعی صورت می‌گیرد. بر اساس نظریه او هر نسل ضعیف و پست از میان خواهد رفت، در حالی که برترین‌ها خواهند ماند. از نظر او سلاح بر ابزار زندگی مقدم بوده است، و اگر سلاحی نمی‌بود هیچ ابزاری هم بدست نمی‌آمد. به این ترتیب تا زمانی که تمدنی پا نگرفته است، جنگ ضروری است.

صلح از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

در ابتدا به نظر شهید مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی در باب صلح میپردازیم:

کتاب صلح امام حسن (ع) اثر شهید مرتضی مطهری، بخشی از کتاب سیری در سیره ائمه اطهار (ع) محسوب می‌شود که به صورت مستقل منتشر شده است. این کتاب از معدود آثار تحلیلی و تفصیلی است که درباره زندگانی امام حسن مجتبی (ع)، موقعیت سیاسی او و شرایط صلح امام با معاویه سخن گفته و شامل دو سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ است. سبک بحث و تحلیل این اسلام‌شناس، استدلالی و مستند است. آیت‌الله مطهری در این اثر ابتدا کلیات اسلام را در باب جهاد بیان و پس از آن مسئله صلح امام حسن و جنگ امام حسین را بررسی می‌کند. مطهری در این کتاب، با اشاره به صلح حدیبیه در زمان پیامبر اکرم (ص) و توافقات حضرت علی (ع) در زمان خلافت، مساله صلح را موضوعی اصیل در فرهنگ اسلامی می‌داند.



مرتضی مطهری (۱۳۹۸-۱۳۵۸ش)، مشهور به شهید مطهری و استاد مطهری، متفکر و نویسنده و از شاگردان علامه طباطبائی و امام خمینی بود. او یکی از مؤثرترین روحانیان معاصر در تفسیر آموزه‌های اسلام مطابق با نیاز روز محسوب می‌شود. سالروز شهادت مرتضی مطهری، در ایران روز معلم خوانده شده و آیین‌های بزرگداشتی در همین ارتباط برگزار می‌شود.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

اسلام نه صلح را به معنی یک اصل ثابت می‌پذیرد که در همه شرایط [باید] صلح و ترک مخاصمه [حاکم باشد] و نه در همه شرایط جنگ را می‌پذیرد و می‌گوید همه جا جنگ. صلح و جنگ در همه جا تابع شرایط است، یعنی تابع آن اثری است که از آن گرفته می‌شود. مسلمین چه در زمان پیغمبر، چه در زمان حضرت امیر، چه در زمان امام حسن و امام حسین، چه در زمان ائمه دیگر و چه در زمان ما، در همه جا باید دنبال هدف خودشان باشند، هدفشان اسلام و حقوق مسلمین است؛ باید ببینند که در مجموع شرایط و اوضاع حاضر اگر با مبارزه و مقاتله بهتر به هدفشان می‌رسند آن راه را پیش بگیرند و اگر احیاناً تشخیص می‌دهند که با ترک مخاصمه بهتر به هدفشان می‌رسند آن راه را پیش بگیرند. اصلاً این مسئله که جنگ یا صلح؟ هیچ کدامش درست نیست. هر کدام مربوط به شرایط خودش است.

صلح از دیدگاه فیلسوفان مسلمان

پیشینه در اندیشه فیلسوفان مسلمان فیلسوفان مسلمان مباحث مهمی در باره حدود و آداب جنگ نگاشته‌اند. افزون بر این، کتاب‌هایی با عنوان الحروب نگارش شده که در آنها مسائل مربوط به جنگ و قتال مورد بحث قرار گرفته است. با این حال، در آثار فیلسوفان مسلمان، جز بحث‌هایی مختصر در دوره معاصر، بحث



مستقلی در زمینه صلح مطرح نشده است. البته این فقدان بحث مستقل در آثار این متفکران، به معنای آن نیست که آنان طرفدار خشونت و جنگ و قتال هستند؛ گو اینکه این مباحث آن قدر بدیهی بوده که نیازی به نگارش رساله های مستقلی در این باره احساس نمی شده است؛ چنان که در باره عدالت نیز با توجه به اهمیت آن در اندیشه اسلامی، این گونه است و آثار مستقل چندانی در این زمینه وجود ندارد. از این رو، به نظر می رسد بتوان بر این نکته تأکید کرد که در اندیشه آنان، اولویت همواره با صلح است. بنابر این، می توان تمام آثار آنان را از منظر صلح بررسی کرد و آموزه هایی که به تحقق صلح کمک می کند یا موانع تحقق صلح را در پاره ای از آثار آنان یافت؛ ضمن اینکه می توان از تأثیر آموزه های قرآن و سنت در کنار دیدگاه عقل‌گرایانه آنان، به ویژه در حکمت متعالیه گفت و گو کرد.

ابونصر فارابی (۸۷۰-۹۵۰ م) به عنوان مهمترین فیلسوف سیاسی مسلمان، بر مدینه فاضله تأکید میکند. آنچه این مدینه را میسازد، تعاون، همکاری و همفکری انسانهایی است که خواسته آنان، رسیدن به فضیلت است. او بر اجتماعی بودن انسان تأکید می‌ورزد که در آن، خشونت، طبیعت جامعه نیست؛ بلکه صلح، طبیعت انسان است. بنابراین، چون طبع بشر اجتماعی است، صلح نیز اولویت می‌یابد. با وجود ستیزه‌گری و خشونت نمی‌توان کاری اجتماعی و مدنی سامان داد (آراء اهل المدینه) یا دست به تمدن‌سازی زد. افزون بر این، فارابی در آثارش درباره آداب و حدود جنگ مطالب مهمی دارد که در کتاب فصول منتزعه آمده است، او ایجاد همبستگی میان افراد جامعه را محصول «محبت» و عدالت» را حافظ آن می‌داند (فارابی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۰)

نصیر الدین طوسی (۵۷۹-۵۳۳ ش) نیز در کتاب مشهور اخلاق ناصری به آداب پیش از شروع جنگ، هنگام جنگ و پس از جنگ اشاره و بر عادلانه بودن جنگ تأکید می‌کند. طوسی همچنین در تداوم سنت فلسفی فارابی، موضوع مدینه فاضله را بسط



می‌دهد و بر پیروی مردم از رئیس مدینه، یعنی «حکیم» تأکید می‌ورزد. در اینجا حفظ همبستگی مدینه پیروی مردم از رئیس مدینه، یعنی «حکیم» تأکید می‌ورزد. در اینجا حفظ همبستگی مدینه پیروی مردم از رئیس مدینه، یعنی «حکیم» تأکید می‌ورزد. در اینجا حفظ همبستگی مدینه با محبت و اجتناب از هرگونه تعصب در عین وجود مذاهب مختلف تحقق می‌یابد. به باور برخی از محققان، از نظر طوسی، صبوری و سعه صدر موجب برقراری صلح می‌شود (اعوانی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۰). طوسی به طور عملی نیز در حفظ میراث مسلمانان و حیات بسیاری از عالمان پس از حمله مغول به ایران اقدامات بسیاری انجام داد.

مؤسس حکمت متعالیه، صدرالمتألهین شیرازی (۱۵۷۱-۱۹۶۰م)، در دستگاه فلسفی خویش، چهار منبع عقل، وحی، شهود و حس را به رسمیت شناخته است؛ به همین دلیل، در این مکتب، رویکردی وحدت‌گرا وجود دارد که در آن با یک تجربه‌گرا، همان طور تعامل می‌شود که با یک عقل‌گرا، وحی‌گرا و شهودگرا (اسفار اربعه). در اینجا نیز جامعه و نحوه ایجاد آن مهم است و تعامل میان انسان هاست که به تولد جامعه می‌انجامد. به تعبیر امام موسی صدر، اندیشمند و فعال سیاسی معاصر، جامعه بر اثر تعامل و داد و ستد افراد به وجود می‌آید (صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۹). البته تعامل با دیگران و آموختن و به ویژه عبرت‌گیری از دیگر ملل و فرهنگ‌ها، مورد تأکید و توصیه آموزه‌های دینی، از جمله قرآن نیز می‌باشد. بر اساس مباحث صدرالمتألهین، هر چه انسان عقلانی‌تر رفتار کند، انسانیتش قوی‌تر، ارتباطاتش انسانی‌تر و رفتارهایش اخلاقی‌تر و تعالی یافته‌تر است و از مدنیت والاتری برخوردار است. همچنین اتحاد حقیقی‌تری میان افراد جامعه انسانی برقرار می‌گردد و روابط انسانی بر اساس گفت و گو سامان می‌یابد؛ در نتیجه، صلح پایدارتری در جامعه جهانی برقرار می‌شود (زندیه، ۱۳۹۶، ص ۲۹۹). گفتنی است حکمت متعالیه با صدرالدین شیرازی قوام و نظام یافته و تا دوره حاضر امتداد یافته است. در میان متفکران صدایی معاصر، می‌توان از سید



محمد حسین طباطبائی، مرتضی مطهری، امام خمینی و عبدالله جوادی آملی یاد کرد. در سال‌های اخیر برخی پژوهشگران در تلاش بوده‌اند به امتداد سیاسی و اجتماعی حکمت متعالیه بپردازند.

چیستی صلح در نگرش حکمی فارابی

در نگرش فارابی، اساسا صلح تنها فقدان جنگ و نزاع به معنای متعارف آن نیست یعنی مفهوم سلبی یا سنتی ندارد. بلکه در این دیدگاه، صلح همانا، وجود آرامش مبتنی بر اعتدال و عدالت در درون و برون آدمی یعنی در نفس و در جامعه است. این آرامش آنگاه رخ می‌نماید که آدمی در قوای خود به اعتدال گراید و این اعتدال در تبعیت از عقل به عنوان نیروی ادراک کلیات و حقایق (نراقی: بیتا: ۲۸) است که البته تصرف و افعال جمیع قوی بر وجه صلاح و صواب خواهد بود و انتظام اوامر مملکت نفس و نشاه انسانیت خواهد گردید و از برای هریک از قوی تهذیب و پاکیزگی بهم خواهد رسید و هریکی را فضیلتی که مخصوص به آنست حاصل خواهد آمد (نراقی: بیتا: ۲۸). ایجاد تعادل در قوای نفسانی تحت فرمان قوه عاقله که حکیمان گاه از آن به عدالت تعبیر میکنند به صلح درونی می‌انجامد، زیرا عدالت عبارت است از توافق همه قوه‌ها با یکدیگر و امتثال و پیروی از نیروی عقل تا اختلاف خواسته‌ها از میان برخیزد و جذب و انجذاب قوه‌ها انسان را به ورطه حیرت نیفکند. (غیانی کرمانی، ۱۳۷۵: ۹۲) بر همین مبنا، یکی از ویژگی‌های اصلی و بلکه مهمترین ویژگی انسان و عامل ممیزه او، خرد یا قوه عاقله است که استعدادی ذاتی است که به تعبیر ابونصر فارابی انسان بوسیله آن انسان می‌گردد (فارابی، ۱۳۶۹: ۲۲) و در وجود ما به منزله ملک (پادشاه) است. (فارابی، ۱۹۵۵م: ۱۷۱) و در وجود انسانها، عاملی برای تفاهم و همزیستی متقابل بشمار می‌آید. شاید نگرش ارگانیکی و اندام‌واره‌ای برخی از حکیمان



ما به مدینه حاصل این تصور است که نظام اجتماعی همچون نظام انسانی با تعادل و اعتدال به صلح می‌گراید و با خروج از اعتدال است که گرفتار خشونت شده و جنگ و نزاع را جایگزین صلح و بی‌نظمی را جانشین نظم و ناامنی را جایگزین امنیت می‌سازد. همانگونه که روایت امام ششم این تشابه را این گونه تبیین می‌کند: مؤمنان در نیکی و شفقت و مهربانی به یکدیگر مانند یک پیکرند که اگر به عضوی از آن آسیبی برسد تمام اعضا در تب و بیخوابی گرفتار آیند. (مجلسی، ۲۳۶۷۱) پس قوه عاقله مهمترین عامل تحقق بخش صلح و ایجاد کننده آرامش و اعتدال در وجود آدمی و در جامعه است. بنابراین در عالم برون و جهان اجتماعی نیز هماهنگی و توافق قوای مدینه بر اعتدال اخلاقی که به تعبیر فارابی عامل صحت مدینه است: هی اعتدال اخلاق اهلهاء و تحت رهبری رئیس مدینه (آل یاسین، ۱۹۸۵م: ۳۱۱) بنا می‌گردد.

نتیجه‌گیری

همچنان که در بالا اشاره شد، صلح میان دولت‌های عضو جامعه امنیتی غرب با نظام‌های دموکراسی لیبرال و سکولار، و برخوردار از اقتصادهای سرمایه‌داری صنعتی، ناشی از پیوندهای خاص میان آن دولت‌ها بوده و تعمیم آن به هر دولتی که برخوردار از نظام دموکراتیک و نهادهای آن باشد قابل اعتماد نیست. مهم‌تر، این که، تجربه، نشان دهنده تمایل کشورهای عضو جامعه امنیتی مزبور به ویژه، ایالات متحده آمریکا به توسل به خشونت علیه کشورهای جنوب است. تصور عمومی جامعه امنیتی غرب، مبنی بر این که فرهنگ خاص غیردینی غربی با مؤلفه‌های مختلف آن بر سایر فرهنگ‌ها برتری دارد منجر به انکار عملی اصل احترام برابر متقابل در تنظیم روابط میان غرب و غیرغرب شده و چشم‌انداز هرگونه صلح بین‌المللی را نامحتمل می‌کند.



لذا صلح نسبی موجود در میان کشورهای عضو جامعه امنیتی غرب به بهای روابط غیرعادلانه میان شمال-جنوب نهادینه شده است. به عبارت دیگر، عدالت - که هدفی نه کم ارزش‌تر از صلح است - فدای صلح میان کشورهای شمال شده است.

به دیگر سخن، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، صلح بین‌المللی، تنها در صورت تن دادن سایر کشورها به الگوی دموکراسی لیبرال و سکولار، و ترک سنت‌ها و فرهنگ‌های بومی خود، قابل دستیابی خواهد بود؛ وضعیتی که نه در عمل، قابل تحقق به نظر می‌رسد و نه از نظر اخلاقی، قابل توجیه است. به تعبیر برخی صاحب‌نظران، نظریه صلح دموکراتیک در سطح ملی [national level] - که مدعی سرشت صلح‌جوی نظام های دموکراتیک است - گر چه از زاویه نظری، محکم است در تجربه، قابل تأیید نیست. ضمن این که در سطح مجموعه‌ای، برخی صاحب‌نظران با تکیه بر مطالعات آماری معتقدند که تنها در یک نظام بین‌المللی که تمام دولت‌ها از الگوی لیبرال دموکراسی، پیروی نمایند می‌توان انتظار صلح پایدار داشت، و نه این که گسترش مجموعه موجود دول دموکراتیک صلح بین‌المللی را گسترده‌تر نماید. تنها منبع امید به گسترش صلح بین‌المللی، حرکت به سوی دموکراتیک نمودن نظام بین‌المللی و گسترش فرهنگ دموکراتیک، به ویژه در میان دولت‌های دموکراتیک لیبرال و سکولار است

از طرفی با تامل در آرای صدرالدین شیرازی میتوان دریافت که صلح و جهاد ابعاد مختلفی دارند و بر این اساس، تاکید نمود که بسیاری از خشونت‌های موجود در سطح جهان اسلام، هیچ ارتباطی به دین اسلام ندارد و در قالب آنچه با عنوان جهاد تعریف شده است، نمی‌گنجد.

همچنین نظریه صلح فارابی با ایجاد دین‌دوستی صلح، توحید محوری، تکیه بر سعادت و فضیلت و عادلانه دیدن صلح و تمرکز بر نوع بشر و نیازها و ویژگی های



فطری او از یکسو و از سوی دیگر با طرح اعتدال و صلح درونی و ربط تحقق صلح به کمال‌طلبی انسان و رضای حق تعالی و متعالی ساختن آن همراه با رعایت مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی به لحاظ نظری توانایی تحقق صلح پایدار و جهانی را داراست.





منابع

- ۱- آصفی، محمد مهدی (۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۷م)، السلام في الاسلام، رابطه الثقافات والعلاقات الاسلاميه.
- ۲- آقابخشي، علي (۱۳۶۳ش)، فرهنگ علوم سياسي، تهران، نشر تندر، چاپ اول.
- ۳- آمدي، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، تصنيف غررالحكم و دررالکلم، قم، دفتر تبليغات اسلامي.
- ۴- ابن بابويه، محمد بن علي (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسین.
- ۵- ابن عجيبة، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق)، البحرالمديد في تفسير القرآن المجيد، قاهره، ناشر: حسين عباس زكي.
- ۶- افلاطون (۱۳۴۸ش)، جمهور، ترجمه فؤاد روحاني، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۷- باقري کبورق، علي (۱۳۷۰ش)، کليات و مباني جنگ و استراتژي، تهران، نشر بين المللي .
- ۸- بشته، اندرواس و السيد امير اکرمي (۲۰۰۶م)، الاسلام و العدل و العوامل التي تهدد هما في عالم اليوم، لبنان، المكتبة البولسيه..
- ۹- حميري، عبدالملك بن هاشم (۱۳۸۳ق/ ۱۹۶۳م)، السيرة النبوية، تحقيق: محمد محي الدين عبدالحميد، مصر، مكتبة محمد علي صبيح و اولاده.
- ۱۰- حوي، عدنان عليرضا (۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۲م)، النهج و الممارسة الايمانية في الدعوة الاسلامية، رياض، چاپ چهارم.
- ۱۱- خليليان، سيد جليل (۱۳۷۵ش)، حقوق بين المللي اسلامي، تهران، دفتر نشر



فرهنگ اسلامی.

- ۱۲- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه، تهران، چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۳- سبحانی، جعفر (۱۳۷۱ش)، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۴- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۲ش)، بررسی برخی از شیوه‌های تعمیق بینش سیاسی، قم، بوستان کتاب. کتاب، چاپ اول.
- ۱۵- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۷ش)، فقه سیاسی اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۶- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الامالی، تصحیح: علیاکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
- ۱۷- صاحب‌الزمانی، ناصرالدین محمد حسن (۱۳۴۵ش)، دیپلاچ‌های بر رهبری، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- ۱۸- صالح، احمد‌العلی (۱۳۸۱ش)، دولت رسول خدا(ص)، ترجمه هادی انصاری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۱۹- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۷ش)، مجمع البحرين، تحقیق: سیداحمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- ۲۰- طلوعی، محمود (۱۳۷۲ش)، فرهنگ جامع علوم سیاسی، تهران، نشر علم، چاپ اول.
- ۲۱- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، أطيّب البيان في تفسير القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
- ۲۲- عامری، هوشنگ (۱۳۷۷ش)، اصول روابط بین الملل، تهران، نشر آگه، چاپ سوم.
- ۲۳- عمادالدین، ابی الحسن عبد الجبار بن احمد (بی‌تا)، تنزیه القرآن عن المطاعن،



بیروت، دارالنهضة الحديثه.

- ۲۴- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷ش)، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۵- فرانکفورد، چاوا و دیوید نجماس (۱۳۸۱ش)، روشهای پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.
- ۲۶- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم.
- ۲۷- کینز، تام و دیگران (۱۳۷۹ش)، طرحریزی واحدهای صنعتی، ترجمه رضا زنجیرانی فراهانی، تهران، انتشارات ترمه، چاپ اول.
- ۲۸- محمد، قاسم (بیتا)، نظرات فی الفكر السياسي السلام، بیروت، دارالصفوة.
- ۲۹- مراد، مصطفی (۱۴۲۶ق / ۲۰۰۵م)، سیره الرسول، قاهره، دارالفجر للتراث.
- ۳۰- ورنر، شارل (۱۳۴۷ش)، حکمت یونان، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران، انتشارات زوار.
- ۳۱- ولایی، عیسی (۱۳۷۷ش)، مبانی سیاست در اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی..
- ۳۲- مقاله اصول راهبردی صلح در اسلام، نفیسه فقیهی مقدس، علی خلجی، محمدعلی مهدوی راد
- ۳۳- مقاله صلح پایدار و عدالت سیاسی جهانی، مهدی براتعلی پور
- ۳۴- مقاله عقلانیت و صلح در اسلام، یحیی صباغچی
- ۳۵- انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) برزنونی، محمد علی (۱۳۸۹) ایلام، اصالت جنگ با اصالت صلح؟ ۱، مجله حقوقی، نشر به مرکز امور
- ۳۶- حقوقی بینالمللی معاونت حقوقی و امور مجلس و شماره ۳۳
- ۳۷- تهانوی، محمدعلی بنعلی (۱۹۹۹م) اکتشاف اصطلاحات الفنون محقق علی، خروج، بیروت: مکتب لبنان



۳۸- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۹۰) دلمانی پیامبر (ص)، تهران: شرکت چاپ و نشر

بین الملل

۳۹- فارابی، ابونصر محمد (۵۱۳۴۶هـ) التنبيه على سبيل السعاده، حیدرآباد هند

۴۰- فارابی، ابونصر محمد (۵۱۳۲۵هـ) عیون المسایل، تحقیق احمد ناجی جمالی، قاهره:

مطبه السعاده

۴۱- مقاله صلح از منظر صدرالمتالهین شیرازی نوشته شریف لک زایی و نجمه کیخا

۴۲- مقاله بررسی و تبیین صلح در نظریه مدینه المسالمة (شهر صلح) فارابی و

نظریه صلح پایدار کانت نوشته محمدحسین جمشیدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی